

حرف‌ها

دلم برای بهشت هنگامی که دلم می‌خورد

□ زندگی بهانه‌ای است برای ما تا بتوانیم گاهی دلمان را به سمت و سویی بکشانیم که عطر حضور می‌دهد. گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم چرا ما فرزندان آدم از بهشت محروم شدیم و به دنیای خاکی هیوط کردیم؟ گاهی با خودم فکر می‌کنم این شجره‌ی ممنوعه چه خواست ناپایداری بود که ما را این همه دچار سختی و مرارت کرد؟ اصلاً گاهی وقت‌ها که دلم خیلی می‌گیرد، دوست دارم همان انسانی باشم که در «جنات تجری من تحتها الانهار» آرمیده است. اما حیف که نمی‌شود. باید مرارت‌ها را تحمل کرد و سختی این گناه را به دوش کشید.

گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم تحمل درد فراق از بهشت، برای ما انسان‌ها سازنده است. چرا که تا وقتی هجران کشیده نباشیم، نمی‌توانیم لذت وصل را دریابیم و این خود بهترین بهانه‌ای است برای اینکه دنیا را تحمل کنیم و مهر صبر را روی دل‌هایمان حک نماییم.

□ گاهی وقت‌ها پا را فراتر از این حرف‌ها می‌گذارم و خودم فکر می‌کنم که خدا چقدر مهربان است که ما را از بهشت بیرون رانده، تا در دنیا باقی بمانیم و قدر لحظات با او بودن را درک کنیم.

□ راستی این از مهربانی اوست، چرا که دنیا با این نگاه پنجره‌ای می‌شود به سوی بهشت. اگر غبار خودسری‌ها و خودخواهی‌ها را از این پنجره‌ی زیبا بشوئیم، آن چنان بهشت زیبایی را فراروی خود می‌یابیم که از حد تصورمان خارج است و اگر این پنجره را نتوانیم، بی‌شک در خماری دیدن یک لحظه‌ی شفاف و زلال خواهیم ماند. ما از بهشت رانده شدیم، اما آدم (عَلَيْهِ السَّلَام) مسیر لذت بخشی فراروی‌مان گذاشت که هیچ ملک مقربی به آن دست پیدا نکرده است و آن راه زیبای سبز، راه بندگی است. راستی اگر بنده او باشیم، باران اشک‌هایمان پنجره‌ی غبار گرفته‌ی بهشت را می‌شوید و مایه‌ی توانیم دلمان را در خنکای آن سوی پنجره صفا دهیم.

□ بندگی، شاه‌کلید گشایش این پنجره است و چه انسان‌های بی‌شماری که حتی برای لحظه‌ای قدر این شاه‌کلید را درک نکرده‌اند و خوش به حال ما و شما که تمام زندگی‌مان را نذر بندگی کرده‌ایم.

□ آری دوستان! بهشت از همین لحظات به ظاهر زمینی ما قشنگ‌تر نیست. کدام لحظات؟ لحظاتی که در زیر سایه سار بید مجنون محبت علی و اولاد او می‌نشینیم و با دلی آرام نجوای هزار و چهار صد ساله‌ی شیعه را مرور می‌کنیم. □ بهشت همین دل‌های آیینگی ماست که در داغ چهارده ریسمان آسمانی می‌بارد و با شادی آنان به وجد می‌آید.

□ راستی قدر دل‌هایمان را بدانیم. ما در بهشت زندگی می‌کنیم آن هم بهشتی که عطر و بوی پاکی و صداقت دارد. راستی فکر نمی‌کنم حضور بهشت جاویدان، لذت‌بخش‌تر از این لحظاتی باشد که در محافل ذکر و یاد اهل بیت می‌گذرانیم. قدر خودمان را بدانیم. بهشت با آن همه جلال و جبروت همین دل‌های ماست. راستی خدا چقدر بزرگ است. اگرچه ما را از بهشت هیوط داده است، اما برای دل‌هایمان بهشتی را به وسعت بی‌نهایت تقدیر کرده و ما را به آن سمت هدایت نموده است. به قول دوستی چقدر دلم برای آنانی که

«حسین (عَلَيْهِ السَّلَام)» ندارند، می‌سوزد.

□ راستی آن‌هایی که مهدی ندارند، به چه چیز عالم دل خوش کرده‌اند. موعود، شاه بیت هستی است که ما در بهشت واژه به واژه دنبال او هستیم و وقتی بیاید دیگر در لذت حضور، غرق خواهیم شد.

«الیس الصبح بقریب»

سر دبیر